

احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی زنان پس از طلاق و

ارتباط آن با سرمایه اجتماعی،

مطالعه موردی شهر سبزوار

شفیعه قدرتی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰

چکیده

ایران طی دهه‌های اخیر تغییرات زیادی را تجربه کرده است و یکی از آنها، افزایش نرخ طلاق است. طلاق آغاز فرایندی است با مشکلات فراوان و مطالعه حاضر به دنبال بررسی امنیت اجتماعی - اقتصادی و سرمایه اجتماعی و ارتباط آنها در بین زنان مطلقه است. روش تحقیق کمی است و از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شد. نمونه تحقیق شامل ۲۰۰ نفر از زنان مطلقه در شهر سبزوار است. پرسشنامه از اعتبار صوری برخوردار است و برای دستیابی به پایایی، آماره آلفای کرونباخ استفاده شد. به کمک آزمون تحلیل عامل، اعتبار سازه‌ای

ارزیابی شد. در تحلیل یافته‌ها از آزمون همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس ناامنی اقتصادی زنان فقط اندکی بیش از ناامنی اجتماعی آنها است که بیانگر اهمیت پرداختن به حمایت اجتماعی از زنان مطلقه است زیرا با وجود بنیادی بودن اقتصاد و معیشت، نگرانی‌های اجتماعی آنها تقریباً در همان حد است. میانگین سطوح اعتماد به اقوام بسیار پایین و نزدیک به اعتماد رقیق است و حوزه اعتماد غلیظ در آنها بسیار تنگ شده است. آزمون‌ها مؤید وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی - اقتصادی می‌باشد. بر این اساس افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان مطلقه، معطوف به افزایش پیوندها و شبکه‌های اجتماعی آنها است و برای بهبود امنیت اقتصادی، لازم است راهکارهایی برای افزایش اعتماد اجتماعی آنها لحاظ گردد. مدل رگرسیونی، ۳۰ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی و ۴۵ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: زنان، طلاق، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی،

سرمایه اجتماعی

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادها در هر جامعه محسوب می‌شود و اهمیت توجه به آن و بررسی آسیب‌ها و مشکلات آن، بر کسی پوشیده نیست. همواره یکی از دغدغه‌های آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی این است که آسیب‌های اجتماعی رادر بطن آن و باتوجه به شرایط بومی جامعه بررسی نمایند. از جمله مواردی که به نظر می‌رسد خاستگاه پاره‌ای از آسیب‌هاست، خانواده می‌باشد. «هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم

نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده، پدید نیامده‌اند» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱).

ایران طی دهه‌های اخیرنوسازی را تجربه کرده است و شاخص‌هایی از جمله میزان شهرنشینی، تحصیلات زنان و توسعه وسایل ارتباط جمعی به شدت رشد نموده است. علاوه بر آن جمعیت ایران، انتقال جمعیتی اول را پشت سر گذاشته و در حال اتمام این انتقال می‌باشد (میرزایی و قدرتی، ۱۳۹۰). برخی جمعیت‌شناسان از جمله سرایی (۱۳۸۷) استدلال می‌کنند ایران در حال ورود به مرحله انتقال جمعیتی دوم است - البته با تعدیل‌هایی - که در پی آن تغییراتی در خانواده و فرزند آوری رخ خواهد داد. انتقال جمعیتی دوم، ایده‌ای است که لسته‌ها و ون دوکا (۱۹۸۶)^۱ برای اولین بار بیان کرده‌اند و برای تبیین باروری پایین در جوامع پیشرفته، به تغییرات خانواده و جامعه اشاره دارند. یکی از این دگرگونی‌ها، افزایش نرخ طلاق است که روند صعودی آن در کل کشور، نشان می‌دهد که خانواده ایرانی در حال تجربه تغییرات عمیقی است.

طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی برای هر دو زوج شروع می‌شود و با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت، خاتمه می‌یابد. اما طلاق پایان ماجرا نیست و پس از آن جوانب و ابعاد مختلف زندگی اعضاء خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کلانتری، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰: ۱۱۳). وایزمن گذار از مرحله طلاق را به پنج مرحله همپوش تقسیم می‌کند. این مراحل که توأم با رنج و غم هستند عبارتند از: انکار، شکست و افسردگی، خشم و دوسو گرایی، تغییر سبک زندگی و هویت، پذیرش و انسجام (اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). بدین ترتیب می‌توان گفت پایان زندگی مشترک، آغاز فرایندی است که توأم با مشکلات و آسیب‌های فراوانی است و انتظار می‌رود که پیامدها و آسیب‌های طلاق برای زنان بیش از مردان باشد. مطالعات مختلفی به پیامدهای طلاق پرداخته‌اند و به بررسی ویژگی‌ها و شرایط روان‌شناختی و

اجتماعی افراد از جمله کیفیت زندگی (حفاریان و دیگران، ۱۳۸۸)، مشکلات عاطفی - روانی (اخوان تفتی، ۱۳۸۲)، و شرایط فرزندان پس از تجربه طلاق، پرداخته‌اند. مطالعه حاضر به دنبال بررسی امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی زنان مطلقه است.

امنیت اولین عاملی است که امکان زندگی انسان‌ها را در کنار هم فراهم می‌کند و موجب می‌شود افراد جامعه بتوانند از یاری هم بهره‌مند گردند، در مسؤلیت‌های اجتماعی مشارکت جویند و در رشد و تعالی جامعه مؤثر باشند (صالحی‌امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۰). مطالعات مختلف نشان داده است که احساس امنیت اجتماعی در ایران، شرایط مناسبی ندارد (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹) و با توجه به این که احساس امنیت اجتماعی در بین زنان، پایین‌تر از مردان است، می‌توان گفت احساس ناامنی اجتماعی در بین زنان تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است. از دیدگاه جامعه‌شناسی امنیت، امنیت به چگونگی رابطه یک فرد با جامعه مرتبط است. جامعه‌شناسی امنیت به معنای شناخت وضعیت رهایی از دغدغه و تعقیب ایمنی در پرتو مناسبات و تعاملات جاری بین نهادها و افراد است (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۶). زنان در نظام اجتماعی عموماً گروه حاشیه‌ای محسوب می‌شوند و زنان مطلقه در حاشیه زنان هستند و بدین ترتیب اگر مطالعه احساس امنیت برای زنان، امری ضروری است، برای زنان مطلقه به عنوان یک گروه حاشیه‌ای مضاعف، امری حیاتی می‌باشد.

پس از طلاق، حمایت اجتماعی دوستان و نزدیکان می‌تواند به سازگاری بهتر افراد با شرایط جدید کمک کند. حمایت اجتماعی - عاطفی^۱، مانند هم‌صحبتی، پذیرش فرد در جمع دوستان و معاشرت با آنها، مناسب‌ترین حمایت است و در مقایسه با حمایت‌های مالی و مادی، اهمیت بیشتری دارد. افرادی که دوستان بیشتری دارند، شبکه اجتماعی بزرگتری دارند و با دوستان خود تعاملات بیشتری دارند، بهتر با طلاق سازگار می‌شود. آنچه مهم است، کیفیت تعامل اجتماعی است. شبکه‌های پایدار که شامل دوستان خوب صمیمی هستند، اهمیت زیادی دارند (Clarke-Sewart and Brentano,)

1. Socioemotional

81: 2006). روابط و شبکه‌های اجتماعی، مضمون مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی هستند. ایجاد ارتباط با دیگران و حفظ آن در طول زمان، افراد را قادر می‌سازد به چیزهایی دست یابند که بدون آن، امکان دستیابی به آنها را ندارند یا به سختی موفق به کسب آنها می‌شوند (Field, 2003: 1). از این رو این مطالعه به بررسی امنیت اجتماعی و اقتصادی و سرمایه اجتماعی زنان پس از طلاق در شهر سبزوار می‌پردازد. به عبارت دیگر به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

- احساس امنیت اجتماعی زنان مطلقه چگونه است؟

- احساس امنیت اقتصادی زنان مطلقه چگونه است؟

- سرمایه اجتماعی آنها چگونه است؟

- چه ارتباطی بین امنیت اجتماعی و اقتصادی و سرمایه اجتماعی زنان مطلقه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

مطالعات پیرامون امنیت اجتماعی زنان، بسیار است. اما در مورد زنان مطلقه، پژوهشی یافت نشد. از بین تحقیقات یادشده، به مرور مطالعاتی که بر رابطه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی توجه دارند و مطالعاتی که زنان سرپرست خانوار را بررسی نموده‌اند، پرداخته‌ایم.

سیدمیرزایی، عبداللهی و کمریگی (۱۳۹۰) به مطالعه امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر ایلام پرداخته‌اند. امنیت اجتماعی با مؤلفه‌های عاطفی، ارتباطی، مالی و جانی سنجیده شده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان متغیرهای تأثیر گذاری می‌باشند. در بین متغیرهای زمینه‌ای، درآمد به صورت مستقیم و تحصیلات به صورت غیرمستقیم بر احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر دارند.

ربانی و همکاران (۱۳۹۲) به مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی زنان پرداخته‌اند. احساس ناامنی در ابعاد جانی، مالی، حقوقی و فکری سنجیده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و احساس ناامنی همبستگی بالایی دارند. متغیرهای تأثیرگذار به ترتیب اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، هنجار و شبکه‌های اجتماعی هستند.

صنعت خواه (۱۳۹۴) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران پرداخته است. امنیت در ابعاد جانی، سیاسی، روانی و اقتصادی بررسی شده است. در این مطالعه، متغیرهای تأثیرگذار به ترتیب عبارتند از اعتماد نهادی، مشارکت سیاسی و اعتماد عمومی. مشارکت در امور مدنی، خیریه و مذهبی، رابطه معناداری ندارند.

یحیی زاده و خدروی (۱۳۹۴) احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر مریوان را بررسی نموده‌اند و آن را به صورت امنیت جانی، مالی و سیاسی تعریف نموده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که تحصیلات، مشارکت در تأمین امنیت، عملکرد پلیس، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و احساس محرومیت نسبی، همبستگی معنی داری با متغیر وابسته دارند. در بین متغیرهای یادشده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان بیشترین تأثیر را دارد.

غلام نیارمی و انصاری (۱۳۹۵) امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار را مطالعه نموده‌اند. نویسندگان امنیت را به امنیت جانی، مالی، عاطفی و ارتباطی تقسیم نموده‌اند و مهم‌ترین عوامل مرتبط با آن را به ترتیب عوامل اقتصادی، محیطی، قانونی و خانوادگی بیان می‌کنند.

بنی فاطمه، علیزاده اقدم، صبوری (۱۳۹۵) به بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی در شهر تبریز پرداخته‌اند. ابعاد امنیت در این مطالعه شامل امنیت شغلی، حقوقی، مالی و اخلاقی است. یافته‌های آنها حاکی از آن است که امنیت شغلی، مالی و حقوقی زنان در سطح متوسط است. رده شغلی زنان و تحصیلات

آنها رابطه معنی داری ندارد، اما حمایت اجتماعی، اعتقادات مذهبی و درآمد، ارتباط معنی داری با احساس امنیت اجتماعی آنها دارد.

همان گونه که ذکر شد، مطالعات در مورد احساس امنیت اجتماعی به ویژه در بین زنان، بسیار است. در بین متغیرهایی که به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی زنان بررسی شده‌اند، برخی بیش از دیگر متغیرها به کار رفته است که می‌توان به طبقه اجتماعی (جهانگیری و مساوات، ۱۳۹۲، حاجی زاده میمندی و ترکی ۱۳۹۲؛ احمدی و کلدی، ۱۳۹۲)، استفاده از وسایل ارتباط جمعی (حاجی زاده میمندی و ترکی، ۱۳۹۲، موحد و همت، ۱۳۹۲؛ مظلوم خراسانی و اسمعیلی، ۱۳۸۹؛ خواجه نوری و کاوه، ۱۳۹۲؛ احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹)، دین داری و پایبندی مذهبی (موحد و همت، ۱۳۹۲؛ حاتمی، احمدی و اسمعیلی، ۱۳۹۴؛ احمدی و کلدی، ۱۳۹۲؛ شایگان و رستمی، ۱۳۹۰) و حمایت اجتماعی (مظلوم خراسانی و اسمعیلی، ۱۳۸۹؛ احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹؛ احمدی و کلدی، ۱۳۹۲؛ حاتمی، احمدی و اسمعیلی، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

مبانی نظری

پیشینه نظری پیرامون مفهوم امنیت اجتماعی، به جامعه شناسانی از جمله دورکیم، تونیس و پارسونز باز می‌گردد. اما نخستین کسی که بحث امنیت اجتماعی را به صورت مدون مطرح کرد، بری بوزان بود. بوزان امنیت را به پنج دسته تقسیم می‌کند: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۵). از نظر وی امنیت اجتماعی به معنی حفظ ویژگی‌هایی است که بر اساس آن افراد خود را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند. امنیت اجتماعی مترادف با امنیت هویت است و با جنبه‌هایی از زندگی فرد که هویت گروهی او را شکل می‌دهند، مرتبط است. تهدید هویت به شدت ذهنی است و برداشت‌های شخصی و گروهی بر آن اثر دارد و ممکن است واقعی نباشد و این امر در مورد احساس امنیت

اجتماعی نیز صادق است (غلام نیارمی و انصاری، ۱۳۹۵). بوزان به همراه برخی دیگر از نظریه پردازان از جمله ویور و مولر بر رویکردی هویت محور تأکید دارند. در کنار رویکرد هویت محور، برخی دیگر امنیت را به معنای رفع دغدغه امنیتی جامعه به کار می‌برند. برایم استدلال می‌کند که امنیت اجتماعی وضعیتی است که در آن افراد جامعه در عرصه خصوصی زندگی خود از نظارت، مراقبت، تهدید و تعقیب دیگران (دولت و غیره) در امان باشند و حقوق اساسی انسان‌ها به ویژه در حوزه آزادی و سبک زندگی مورد احترام باشد. وی بر امنیت شبکه‌های مواصلاتی، مانند خطوط حمل و نقل و امنیت تماس تلفنی و امنیت الکترونیک تمرکز دارد (غلام نیارمی و انصاری، ۱۳۹۵).

می‌توان امنیت را از نگاه جامعه شناسی عواطف نیز تبیین نمود. کمپر از نظریه پردازان در این حوزه است و محرک ابتدایی عاطفه را روابط اجتماعی می‌داند. عواطف، واکنشی به وقایع محیطی‌اند و در جوامع مدرن، مهم‌ترین بُعد محیط، بُعد اجتماعی است. کمپر، قدرت و پایگاه را دو بعد اساسی روابط اجتماعی می‌داند که در طی تعامل اجتماعی، منجر به عواطف خاصی می‌شوند (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰). از نظر وی اگر در طی تعامل با دیگران، فرد قدرت را به دست آورد و یا کنشگر مقابل، آن را از دست دهد، پیامد عاطفی، احساس امنیت است (کمپر، ۲۰۰۶).

گیدنز از جمله نظریه پردازانی است که به امنیت اجتماعی پرداخته است. از نظر وی امنیت، موقعیتی است که در آن با یک رشته از خطرات خاص مقابله می‌شود و یا به حداقل می‌رسد. امنیت، مصونیت از خطرها است و به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). امنیت اجتماعی تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان است (گیدنز به نقل از کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

جامعه شناسی امنیت علاوه بر امنیت اجتماعی به سرمایه اجتماعی نیز توجه دارد (نصیری، ۱۳۸۱). امروزه اندیشمندان اتفاق نظر دارند که از ویژگی‌های یک جامعه

سالم، وجود سرمایه اجتماعی در آن جامعه است. اندیشمندان زیادی بر ضرورت و اهمیت سرمایه اجتماعی و به ویژه اعتماد اجتماعی برای انسجام و توسعه جوامع تأکید کرده‌اند (زیمل، ۲۰۰۴؛ کولمن، ۲۰۰۲).

سرمایه اجتماعی برای بررسی کمیّت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه به کار می‌رود. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند بدست آورند (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲). بورديو سرمایه اجتماعی را حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی می‌داند که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد است. سرمایه اجتماعی، مستلزم چیزی بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد (همان: ۱۰۲). سرمایه اجتماعی شامل گروه‌ها، انجمن‌ها و شبکه‌های افقی، اعتماد میان شهروندان، و هنجارهای دادوستدی است (پاتنام، ۱۳۸۵).

کلمن (۲۰۰۲) از مهم‌ترین نظریه پردازان در این حوزه است. وی سرمایه اجتماعی را دارایی‌های جمعی می‌داند که کنش را تسهیل می‌کنند و افراد را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهند. از دیدگاه وی، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه منبعی برای افراد آن گروه است. کلمن وجوه سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع رسانی و ضمانت اجراهای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف گروه می‌داند.

یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه است که افراد با عضویت در آنها به پی‌گیری علایق خود می‌پردازند. پاتنام از واژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی^۱ برای انجمن‌هایی استفاده می‌کند که بر انسجام درونی، تأکید می‌کنند و سرمایه اجتماعی میان‌گروهی^۲ را برای اشاره به سرمایه اجتماعی‌ای به کار می‌برد که به انجمن‌ها کمک می‌کند تا با گروه‌های غریبه دیگر در جامعه ارتباط برقرار

1. Bonding
2. Bridging

کنند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۳۳). خانواده واضح‌ترین نمونه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سازمان جامعه مدنی که در عمل و از نظر قانونی درهای آن به روی همه شهروندان باز است، نمونه ناب، سرمایه اجتماعی میان‌گروهی است (پاتنام، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

چارچوب نظری تحقیق

این مطالعه به سنجش رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی می‌پردازد. بدین ترتیب فرضیه اصلی تحقیق نیز سنجش رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی آنها است. این فرضیات مبتنی بر مجموعه نظریاتی است که به ارتباط این مفاهیم می‌پردازند و در ادامه به طور خلاصه بیان می‌شوند.

پاتنام روابط معناداری را بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش احساس امنیت اجتماعی، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد و احساس خوشبختی، نشان می‌دهد. به نظر او بی‌اعتمادی در بین قربانی‌های جرم و خشونت و افراد مطلقه، بیش‌تر دیده می‌شود. از این دیدگاه، اعتماد اجتماعی حاصل تجربه‌های زندگی بزرگ‌سالی است و کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی دارند نسبت به کسانی که از بی‌عدالتی، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، دارای اعتماد بیشتری هستند (Putnum, 2000: 137).

علاوه بر پاتنام، نظریه پردازانی از جمله گیدنز (۱۳۷۷)، لومان (۱۹۷۶)، و زتومکا (۱۳۸۶) بر ارتباط بین امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی تأکید نموده‌اند. لومان نظریه امنیت خود را با تأکید بر طبقه بندی جهان فردی به حوزه آشنا و ناآشنا بیان می‌کند. دنیای آشنا، حیطه هنجارها و عادت‌هایی است که برای حفظ انسجام و تعیین سیستم اجتماعی کافی به نظر می‌رسد. در جهان مدرن که بیشتر حوزه‌های آن، ناآشنا هستند، این هنجارها کارکردی ندارند. همین امر سبب احساس ناامنی فرد در این حوزه می‌شود. اگر چه احساس امنیت به طور مطلق وجود ندارد، اما تا زمانی که فرد در حوزه آشنا زندگی می‌کند، احساس ناامنی نمی‌کند. احساس ناامنی زمانی ایجاد می‌شود که فرد وارد

دنیای ناآشنا می‌شود. لومان تنها راه امنیت در حوزه ناآشنا را اعتماد به سیستم‌های انتزاعی می‌داند (حاتمی، احمدی، و اسمعیلی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

چلبی (۱۳۷۵) در صورت بندی و تحلیل نظم اجتماعی به اعتماد اجتماعی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی استدلال می‌کند در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر صبغه سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن تضعیف شود، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری عاطفی و خاص گرا، به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود. در این شرایط اعتماد اجتماعی تضعیف می‌گردد و در پی آن افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند. چلبی بر آن است که هر چه در سطوح گوناگون شبکه روابط اجتماعی جامعه، روابط امداد رسانی در ابعاد گوناگون معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی، عاطفی و منزلتی بیشتر باشد به همان نسبت میزان یأس اجتماعی و احساس ناتوانی کاهش می‌یابد و احساس امنیت اجتماعی هم افزایش می‌یابد (شیخی، جمالی و کمال آرای به نقل از چلبی، ۱۳۹۰: ۴۶).

ارتباط بین اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی بر اساس نظریات پاتنام، گیدنز، لومان و زتومکا است.

ارتباط بین اعتماد اجتماعی و امنیت اقتصادی مبتنی بر نظریه چلبی است.

ارتباط بین پیوندهای اجتماعی و امنیت اجتماعی و اقتصادی بر اساس نظریه چلبی است.

بدین ترتیب بر طبق نظریات مطرح شده می‌توان گفت بین ابعاد دو گانه سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و پیوندهای اجتماعی) و امنیت اجتماعی و اقتصادی رابطه وجود دارد.

فرضیات اصلی تحقیق به شرح ذیل است:

- ۱- بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد.

۳- بین پیوندهای اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

۴- بین پیوندهای اجتماعی و احساس امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه با هدف بررسی احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی و سرمایه اجتماعی در بین زنان مطلقه و ارتباط آنها با یکدیگر انجام شده است. روش مطالعه، کمی است و از ابزار پرسشنامه جهت جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، زنان مطلقه شهر سبزوار است و نمونه ۲۰۰ نفری از آنها انتخاب شده است. به دلیل دسترس پذیر نبودن افراد، این نمونه‌گیری در طی ۶ ماه صورت گرفت. لازم به ذکر است که در موضوعی مثل طلاق به دلیل دشواری‌های موجود در آمار و دسترسی به پاسخگویان این نمونه قابل پذیرش است. روش انجام نمونه‌گیری بدین ترتیب بود که در مرحله اول، برای رعایت حداکثر شمول و بازنمایی جامعه آماری در نمونه تحقیق، شهر سبزوار به چهار منطقه تقسیم شد و سعی بر آن بود که نمونه‌گیری در این مناطق انجام شود. از آنجا که دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری زنان مطلقه امکان پذیر نیست، برای پیدا کردن موردها از جستجوی خانه به خانه، نمونه‌گیری گلوله برفی، مراجعه به دفاتر وکالت و حتی فروشگاه‌ها و آرایشگاه‌ها استفاده شد. تحلیل یافته‌ها به کمک نرم افزار SPSS می‌باشد و در بخش یافته‌های استنباطی از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی انجام شده است و بدین ترتیب فرضیه محوری آن سنجش رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی است. در سنجش روابط یادشده لازم است که نقش متغیرهای مداخله گر کنترل گردد. منظور از متغیرهای مداخله گر، متغیرهایی است که می‌توانند بر روابط مورد آزمون اثرگذار باشند و اثرات

تعاملی با آنها داشته باشند. با توجه به شرایط زنان پس از طلاق، پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان و خانواده آنها و نیز تجربه بیماری‌ها و آسیب‌های روحی و روانی می‌تواند بر احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی آنها و نیز رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار باشد. از این رو متغیرهای مستقل مورد مطالعه عبارتند از متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان، پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر و مادر، سرمایه اجتماعی زنان، و آسیب‌های روانی.

متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، سن در هنگام ازدواج و مدت زمان طلاق است. پایگاه اجتماعی - اقتصادی از طریق شاخص‌های تحصیلات، وضعیت اشتغال و درآمد ماهیانه سنجش می‌شود.

سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد اجتماعی و پیوندهای اجتماعی سنجیده شده است. اعتماد اجتماعی عبارت است از نگرش مثبت فرد نسبت به سایر اعضای جامعه. ویژگی اصلی این نگرش آن است که متضمن مخاطره می‌باشد و در شرایط عدم قطعیت حاصل از فقدان دانش و شناخت کامل طرف مقابل، رخ می‌دهد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). اعتماد اجتماعی به مؤلفه‌های اعتماد غلیظ و رقیق تقسیم شده است. پیوندهای اجتماعی شامل ارتباطات با خانواده، اقوام و دوستان می‌باشد.

آسیب‌های روانی، مجموعه بیماری‌های جسمی و روانی است که زنان پس از تجربه طلاق با آنها مواجه شده‌اند. در این مطالعه بیماری‌های وسواس، افسردگی، خودکشی، ناسازگاری با خانواده مد نظر است و علاوه بر آنها یک سؤال کلی در مورد بیماری‌های جسمی و روحی پرسیده شده است.

اعتبار پرسشنامه، با مشورت استادان و متخصصان جامعه‌شناسی، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با استفاده از آماره آلفای کرونباخ، همسازی گویه‌ها و سازواری درونی پرسشنامه تأمین شده است. علاوه بر آن به کمک آزمون تحلیل عامل، اعتبار سازه‌ای گویه‌های مربوط به امنیت اجتماعی و اقتصادی ارزیابی شده است.

واژه امنیت در معانی مختلف و در حوزه‌های علمی متفاوتی به کار رفته است. سنخ‌شناسی‌های متعددی در مورد امنیت انجام شده است (گیدنز، بوزان و ویور، ...) و این امر باعث می‌شود تعریف و سنجش آن مشکل گردد. در این مطالعه، امنیت اجتماعی را به معنی نبود نگرانی خاص در مواجهه با امور مربوط به زندگی اجتماعی، در نظر می‌گیریم.

احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی در قالب ۱۱ گویه سنجیده شده است. در طراحی گویه‌ها سعی بر آن بود تا زمینه و بستری که زنان مطلقه در آن هستند و تجربه زندگی روزمره آنها مدنظر قرار گیرد. این گویه‌ها به کمک آزمون تحلیل عامل بررسی شدند. مقادیر آزمون‌های KMO و Bartlett به ترتیب عبارتند از ۰/۷۰۱ و ۱۷۳۲/۵۷. همچنین این آزمون در سطح اطمینان ۰/۰۰۰/ معنادار است. با توجه به این که مقدار KMO بیش از ۰/۵ است و نیز با توجه به معناداری آزمون بارتلت، می‌توان مطمئن بود که داده‌ها برای انجام تحلیل عامل مناسب هستند. تحلیل عامل به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی انجام شد و در نهایت پس از چرخش، گویه‌ها در سه عامل بار شدند. جدول ۱ نحوه توزیع گویه‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس، عامل‌ها به ترتیب نشان دهنده امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت فرزندان است.

جدول ۱- توزیع گویه‌های امنیت اجتماعی در عامل‌ها

عامل سوم	عامل دوم	عامل اول
نگرانی از وضعیت اقتصادی فرزندان	نگرانی از دخالت مردم در زندگی	احساس امنیت اقتصادی
نگرانی از ازدواج فرزندان	نگرانی از حرف مردم	نگرانی از وضعیت اقتصادی
نگرانی از موقعیت اجتماعی فرزندان	نگرانی از عدم امکان ازدواج مجدد	نگرانی از موقعیت شغلی
	احساس امنیت در بین دوستان	
	احساس امنیت در جامعه	

پایایی تحقیق از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجش شده است. جدول ۲، ضریب پایایی پرسشنامه پژوهش را برای مفاهیم احساس امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و آسیب‌های روانی با استفاده از آماره آلفای کرونباخ، نشان می‌دهد. همان گونه که نشان داده شده است، ضریب پایایی بیش از ۰/۷ است و پایایی پرسشنامه تأیید می‌گردد.

جدول ۲- ضریب پایایی مفاهیم مورد سنجش

متغیر	تعداد	تعداد گویه	ضریب پایایی
احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی	۱۸۶	۱۱	۰/۷۱۰
اعتماد اجتماعی	۱۹۲	۴	۰/۷۰۰
پیوندهای اجتماعی	۱۹۵	۳	۰/۷۰۴
آسیب‌های روانی	۱۹۱	۵	۰/۷۷۰

یافته‌ها

در بین زنان مورد مطالعه، ۱۳ درصد کمتر از یک سال، ۵۸ درصد بین یک تا پنج سال، ۱۵/۵ درصد بین پنج تا ده سال و ۱۳/۵ درصد بیش از ده سال است که از همسر خود جدا شده‌اند. میانگین مدت زمان طلاق ۵ سال است. ۶۴ درصد از زنان شاغل و تنها ۳۶ درصد از آنها بیکار هستند. وضعیت اشتغال پدران و مادران آنها نیز به ترتیب ۹۱/۸ درصد و ۶/۳ درصد می‌باشد.

جدول ۳، توزیع پاسخگویان بر اساس سن در هنگام ازدواج را نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی، مربوط به گروه سنی ۱۹-۱۶ سال و پس از آن ۲۳-۲۰ سال است و در مجموع ۷۰ درصد از زنان در این سنین ازدواج کرده‌اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس سن در هنگام ازدواج

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد
۱۲-۱۵	۳۲	۱۶/۶
۱۶-۱۹	۸۶	۴۴/۶
۲۰-۲۳	۴۹	۲۵/۵
۲۴-۲۷	۱۵	۷/۸
۲۸-۳۱	۱۰	۵/۲
۳۲-۳۶	۱	۰/۵
مجموع	۱۹۳	۱۰۰

جدول ۴ توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان را بر اساس سن آنها نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود، بیشتر زنان در سنین ۲۹-۲۵ سال هستند و پس از آن گروه سنی ۳۰-۳۴ سال می‌باشد. زنان در سن پنجاه سال و بالاتر از آن کمترین سهم را در بین پاسخگویان دارند. میانگین سن زنان ۳۲/۴۲ سال است.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس گروه سنی

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد
۱۸-۲۴	۳۵	۱۸/۴
۲۵-۲۹	۵۰	۲۶/۳
۳۰-۳۴	۴۲	۲۲/۱
۳۵-۳۹	۲۹	۱۵/۳
۴۰-۴۴	۱۴	۷/۴
۴۵-۴۹	۱۴	۷/۴
۵۰ سال و بالاتر	۶	۳/۲
مجموع	۱۹۰	۱۰۰

جدول ۵ توزیع درصدی سطوح تحصیلات پدر، مادر و پاسخگویان را نشان می‌دهد. بر این اساس تحصیلات بیش از نیمی از زنان در سطح دیپلم و تحصیلات دانشگاهی است. این رقم در مورد پدر و مادر آنها به ترتیب ۱۳/۸ و ۱۲ درصد است. تحصیلات بیش از پنجاه درصد از پدران و مادران در سطح بیسواد و ابتدایی است.

جدول ۵- توزیع درصد سطح تحصیلات پدر، مادر و زنان

سطح تحصیلات	پاسخگو	پدر	مادر
بی سواد	۱/۱	۲۴/۸	۳۹/۳
ابتدایی	۱۴/۹	۴۱/۴	۳۷/۷
راهنمایی و دیپلم ناقص	۲۴/۲	۱۶/۴	۱۰
دیپلم	۳۵/۶	۱۰/۱	۱۰
تحصیلات دانشگاهی	۲۴/۲	۳/۷	۲/۰
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

به منظور سنجش وضعیت اقتصادی زنان، سؤالی با مضمون درآمد ماهیانه زنان پرسیده شد، اما پاسخ‌های درستی دریافت نشد و در بسیاری از موارد بدون پاسخ است. از این رو به جای درآمد پاسخگویان از درآمد خانواده پدری آنها استفاده شده است. جدول ۶ توزیع درصدی درآمد ماهیانه در خانواده پاسخگویان را نشان می‌دهد. بیشترین پاسخ‌گویان در گروه درآمدی پانصد هزار تا یک میلیون تومان قرار دارند. کمتر از یک درصد آنها بدون درآمد هستند و تنها ۱۲ درصد از خانواده‌ها درآمدی بیش از دو میلیون تومان دارند.

جدول ۶- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس درآمد خانواده پدری

درآمد ماهیانه	درصد
بدون درآمد	۰/۶
کمتر از پانصد هزار تومان	۲۴/۴
پانصد هزار تا یک میلیون تومان	۴۵/۱
یک میلیون تا دو میلیون تومان	۱۷/۹
بیش از دو میلیون تومان	۱۲
مجموع	۱۰۰

جدول شماره ۷ مهم‌ترین آسیب‌های روانی که زنان پس از طلاق تجربه کرده‌اند و گویه‌های مربوط به اعتماد اجتماعی و پیوندهای غیررسمی زنان را نشان می‌دهد. میانگین گویه‌های مربوط به آسیب‌های روانی، متغیر آسیب‌های روانی را تشکیل داده است که مقدار میانگین آن ۲/۳۴ می‌باشد. از بین گویه‌های مربوط به آسیب‌های روانی، مجموع پاسخ‌های زیاد و بسیار زیاد در مورد آسیب‌های روانی و جسمی شدید، بیشترین مقدار را دارد و پس از آن افسردگی و سپس ناسازگاری قرار دارد و فکر کردن به خودکشی، کمترین مقدار را دارد. جدول ۷ نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان پس از طلاق، تجربه ناسازگاری با خانواده و اطرافیان، افسردگی، وسواس، و بیماری‌های جسمی و روحی شدید را داشته‌اند.

مقایسه مؤلفه‌های اعتماد نشان می‌دهد، خانواده و پس از آن دوستان، بیشترین اعتماد زنان را به خود جلب کرده‌اند. مجموع گزینه‌های هرگز و کم نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان مورد مطالعه نسبت به مردم و اقوام خود، بی‌اعتماد هستند. میانگین متغیرهای اعتماد ۲/۸۹ است.

گویه‌های پیوندهای اجتماعی زنان، نشان می‌دهد که ارتباطات خانوادگی در بیش از نیمی از زنان (۵۴/۳ درصد) زیاد و یا بسیار زیاد است. پس از خانواده بیشترین ارتباطات زنان با دوستان و در آخر با اقوام است. میانگین متغیر پیوندهای غیر رسمی ۳/۳۲ است.

جدول ۷- توزیع درصدی گویه‌های مربوط به آسیب‌های روانی، اعتماد اجتماعی و

پیوندهای غیررسمی زنان

گویه‌ها	هرگز	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	واریانس
آسیب‌های روانی	وسواس	۴۶/۹	۱۷/۰	۱۰/۸	۱۶/۵	۸/۸	۱/۹۸
	افسردگی	۳۰/۸	۲۰/۰	۱۶/۹	۱۱/۳	۲۱/۰	۲/۳۲
	فکر کردن به خودکشی	۷۲/۲	۷/۲	۶/۷	۵/۲	۸/۸	۱/۷۱
	ناسازگاری با خانواده و اطرافیان	۴۳/۳	۲۲/۲	۱۲/۹	۱۰/۸	۱۰/۸	۲/۲۴
	بیماری‌های جسمی و روحی شدید	۲۴/۰	۲۱/۴	۱۵/۳	۱۸/۹	۲۰/۴	۲/۹۰
اعتماد اجتماعی	اعتماد به مردم	۱۴/۴	۴۱/۲	۳۶/۱	۴/۱	۴/۱	۰/۸۶
	اعتماد به خانواده	۱/۰	۸/۲	۲۴/۲	۲۷/۸	۳۸/۷	۳/۹۴
	اعتماد به دوستان	۹/۳	۲۴/۴	۴۹/۷	۱۲/۴	۴/۱	۲/۷۸
	اعتماد به فامیل	۱۹/۷	۳۳/۷	۳۳/۲	۱۰/۹	۲/۶	۲/۴۳
	ارتباط با خانواده	۱/۵	۱۰/۸	۳۳/۳	۲۵/۶	۲۸/۷	۳/۶۹
پیوندهای اجتماعی	ارتباط با اقوام	۹/۷	۲۰/۴	۴۴/۴	۱۵/۳	۱۰/۲	۲/۹۶
	ارتباط با دوستان	۶/۱	۱۳/۳	۴۰/۳	۲۷/۰	۱۳/۳	۳/۲۸

جدول ۸ توزیع فراوانی گویه‌هایی که مفهوم امنیت را می‌سنجند، نشان می‌دهد. آزمون تحلیل عامل نشان داد که گویه‌ها حول سه عامل بار می‌شوند و بر اساس توزیع گویه‌ها عامل‌ها به امنیت اقتصادی، اجتماعی، و فرزندان تقسیم شدند.

گویه‌های امنیت اقتصادی نشان می‌دهد نگرانی از وضعیت اقتصادی و مالی، بیشترین مجموع پاسخ‌های زیاد و بسیار زیاد را دارد. پس از آن و با اندکی تفاوت، نگرانی از وضعیت مسکن قرار دارد.

گویه‌های نگرانی از حرف مردم، دخالت مردم در زندگی خصوصی، نگرانی از امکان ازدواج مجدد، احساس امنیت در جمع دوستان و بستگان، و احساس امنیت در سطح جامعه، مؤلفه‌های امنیت اجتماعی هستند. در بین آنها و پس از آن احساس ناامنی در جامعه می‌باشد.

گویه‌های نگرانی از آینده اقتصادی فرزندان، موقعیت اجتماعی فرزندان و ازدواج فرزندان، عامل امنیت فرزندان را نشان می‌دهند. در بین گویه‌های یادشده، بیشترین دغدغه زنان، مربوط به موقعیت اجتماعی فرزندان آنها است، به گونه‌ای که نگرانی بیش از ۹۰ درصد از زنان در حد زیاد و بسیار زیاد است. این رقم در مورد ازدواج فرزندان و آینده اقتصادی آنها به ترتیب ۸۹/۵ درصد و ۸۳/۲ درصد است.

مقادیر مربوط به میانگین نشان می‌دهد که امنیت فرزندان، بیشترین مقدار را دارد و می‌توان گفت، بیشترین احساس ناامنی زنان، مربوط به شرایط فرزندان آنها است، پس از آن امنیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

جدول ۸- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به امنیت اقتصادی، اجتماعی، و فرزندان

عامل	گویه	هرگز	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین
امنیت اقتصادی	نگران وضعیت مسکن	۱۶/۱	۱۱/۹	۷/۸	۲۰/۲	۴۴/۰	۳/۵۹
	نگران وضعیت مالی	۹/۳	۱۴/۵	۸/۸	۲۵/۴	۴۲/۰	
	نگران موقعیت شغلی	۱۳/۳	۱۸/۲	۱۳/۸	۲۰/۴	۳۴/۳	
امنیت اجتماعی	نگرانی از حرف مردم	۲۱/۱	۱۴/۴	۱۳/۴	۱۶/۵	۳۴/۵	۳/۰۲
	نگرانی از عدم امکان ازدواج مجدد	۳۳/۷	۱۹/۷	۱۳/۵	۱۱/۴	۲۱/۸	
	دخالت مردم در زندگی خصوصی‌ام	۲۸/۶	۱۴/۳	۱۴/۸	۱۵/۳	۲۷/۰	
	احساس نا امنی در جامعه	۷/۷	۱۳/۳	۳۵/۲	۳۱/۱	۱۲/۸	
	احساس نا امنی در جمع دوستان و بستگان	۱۳/۵	۲۰/۲	۳۷/۳	۲۳/۳	۵/۷	
امنیت فرزندان	نگرانی از آینده اقتصادی فرزندان	۲/۴	۱/۶	۱۲/۸	۱۴/۴	۶۸/۸	۴/۵۰
	نگرانی از موقعیت اجتماعی فرزندان	۲/۴	۳/۲	۲/۴	۲۰/۸	۷۱/۲	
	نگرانی برای ازدواج فرزندان	۳/۲	۲/۴	۴/۸	۲۱/۰	۶۸/۵	

درصد قابل توجهی (۳۸ درصد) از زنان، فرزندی ندارند و با احتساب امنیت فرزندان در آزمون‌های آماری، تعداد نمونه کاهش می‌یابد، بنابراین از این مؤلفه صرف نظر گردید. جدول ۹ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت را نشان می‌دهد. آزمون همبستگی پیرسون برای متغیرهای امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و

امنیت اجتماعی - اقتصادی به کار رفته است. امنیت اجتماعی - اقتصادی از ترکیب دو متغیر امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی به دست آمده است. متغیرهای وضعیت اشتغال زن و مادر به صورت دوشقی (شاغل - بیکار) سنجش شده‌اند و بدین ترتیب به صورت متغیرهای تصنعی^۱ وارد تحلیل همبستگی و رگرسیون می‌شوند.

آزمون‌های همبستگی بین متغیرهای مستقل و امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که متغیرهای سن، مدت زمان طلاق، وضعیت اشتغال زنان، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و آسیب‌های روانی رابطه معنی‌داری با امنیت اجتماعی دارند و در بین متغیرهای یادشده، آسیب‌های روانی تأثیر مستقیم و بقیه متغیرها تأثیر منفی و معکوس دارند. متغیر آسیب‌های روانی بیشترین ضریب همبستگی معنی‌دار و مدت زمان سپری شده پس از طلاق، کمترین ضریب همبستگی معنی‌دار را دارد.

نتایج مربوط به آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و امنیت اقتصادی نشان می‌دهد که متغیرهای سن در هنگام ازدواج، تحصیلات زنان و پدر و مادر آنها، وضعیت اشتغال مادر، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و آسیب‌های روانی رابطه معنی‌داری با امنیت اجتماعی دارند. وضعیت اشتغال مادر و آسیب‌های روانی تأثیر مستقیم و بقیه متغیرها تأثیر معکوس دارند. بیشترین و کمترین ضریب همبستگی معنی‌دار به ترتیب مربوط به متغیرهای آسیب‌های روانی و سن ازدواج است.

بدین ترتیب تمام فرضیات اصلی تحقیق تأیید می‌شود و بین ابعاد سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی و نیز امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد. در بین روابط یادشده، قوی‌ترین همبستگی مربوط به رابطه بین پیوندهای اجتماعی و امنیت اجتماعی است.

جدول ۹- ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی، اقتصادی و احساس امنیت کل

امنیت اجتماعی - اقتصادی		امنیت اقتصادی		امنیت اجتماعی		متغیر مستقل
sig	ضریب همبستگی	sig	ضریب همبستگی	sig	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۴	- ۰/۲۱۶	۰/۲۶۸	- ۰/۰۸۴	۰/۰۰۰	- ۰/۳۲۷	سن
۰/۰۲۰	- ۰/۱۷۶	۰/۰۵۰	- ۰/۱۴۷	۰/۰۸۶	- ۰/۱۲۶	سن ازدواج
۰/۲۵۴	- ۰/۰۸۷	۰/۰۴۲	- ۰/۱۵۳	۰/۶۸۳	۰/۰۳۰	تحصیلات
۰/۰۰۴	- ۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	- ۰/۲۷۹	۰/۵۹۳	- ۰/۰۳۹	تحصیلات پدر
۰/۰۰۴	- ۰/۲۱۷	۰/۰۰۱	- ۰/۲۵۸	۰/۵۷۵	- ۰/۰۴۱	تحصیلات مادر
۰/۱۶۴	- ۰/۱۰۶	۰/۸۰۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	- ۰/۲۳۱	مدت زمان طلاق
۰/۹۶۶	- ۰/۰۰۳	۰/۸۰۱	۰/۰۲۰	۰/۶۶۱	- ۰/۰۳۴	درآمد خانواده پدری
۰/۱۴۰	- ۰/۱۱۴	۰/۴۹۵	- ۰/۰۵۳	۰/۰۳۶	- ۰/۱۵۶	وضعیت اشتغال زن
۰/۰۱۱	۰/۱۹۶	۰/۰۰۸	۰/۲۰۴	۰/۱۰۵	۰/۱۲۲	وضعیت اشتغال مادر
۰/۰۰۰	۰/۵۲۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰	۰/۵۲۵	آسیب‌های روانی
۰/۰۰۰	- ۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	- ۰/۲۸۴	۰/۰۰۱	- ۰/۲۴۱	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	- ۰/۲۹۹	۰/۰۲۱	- ۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	- ۰/۳۸۳	پیوندهای اجتماعی

ضرایب مربوط به امنیت اجتماعی - اقتصادی نشان می‌دهد که به غیر از متغیرهای تحصیلات زنان، مدت زمان طلاق، درآمد خانواده پدری و وضعیت اشتغال زنان، رابطه معنی داری بین دیگر متغیرها و امنیت اجتماعی - اقتصادی وجود دارد. مقایسه ضرایب معنی دار نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین ضریب همبستگی مربوط به متغیرهای آسیب‌های روانی و سن ازدواج است. روابط تمام متغیرها به جز وضعیت اشتغال مادر و آسیب‌های روانی، معکوس و منفی است.

مقایسه نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای مستقل و هر یک از مؤلفه‌های امنیت نشان می‌دهد که الگو و ساختار روابط بین آنها متفاوت است و به عبارت دیگر هر یک از متغیرهای مستقل، تأثیر متفاوتی بر امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی دارند. به عنوان مثال سن زنان تأثیر نسبتاً زیادی بر امنیت اجتماعی آنان دارد، اما همبستگی این متغیر با امنیت اقتصادی معنی دار نیست. بدین ترتیب لازم است هر یک از مؤلفه‌های امنیت به صورت جداگانه بررسی شوند.

آزمون‌های همبستگی، روابط بین متغیرها را بدون کنترل دیگر متغیرها بررسی می‌کنند. به منظور ارزیابی اثرات یک متغیر در کنار دیگر متغیرها، لازم است از آزمون‌های دیگر مانند تحلیل رگرسیون استفاده نمود. جداول ۱۰ و ۱۱ نتایج آزمون رگرسیون بین متغیرهای مستقل و امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی - اقتصادی را نشان می‌دهند. مدل‌های رگرسیون بر اساس روش توأمان است و در سه مرحله متغیرها وارد مدل شده‌اند، در مرحله اول، متغیرهای زمینه‌ای وارد شده‌اند. در مدل دوم، اعتماد اجتماعی و پیوندهای اجتماعی نیز اضافه شده‌اند. مدل نهایی شامل تمام متغیرهای پیشین به همراه متغیر آسیب‌های روانی است.

جدول ۱۰ مربوط به تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل و امنیت اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مدل اول متغیرهای سن و تحصیلات ضرایب معنی داری دارند و ۱۸/۳ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی را تبیین می‌کنند. در مدل دوم این رقم

افزایش یافته و به ۳۳/۹ درصد رسیده است و علاوه بر متغیرهای یادشده، سن ازدواج و پیوندهای اجتماعی نیز ضرایب معنی داری دارند. در مدل نهایی از بین متغیرهای وارد شده، متغیرهای سن، سن ازدواج، تحصیلات مادر، پیوندهای اجتماعی و آسیب‌های روانی ضرایب معنی داری دارند و در مجموع ۴۵/۳ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۰- رگرسیون متغیرهای مستقل بر متغیر امنیت اجتماعی

متغیر	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳	
	ضریب	اشتباه معیار	ضریب	اشتباه معیار	ضریب	اشتباه معیار
سن	-۰/۳۱۸	۰/۰۱۳	-۰/۲۵۰	۰/۰۱۲	-۰/۱۹۱	۰/۰۱۱
سن ازدواج	-۰/۱۴۴	۰/۰۲۴	-۰/۱۸۷	۰/۰۲۲	-۰/۱۷۱	۰/۰۲۰
تحصیلات	۰/۰۷۸	۰/۰۲۶	۰/۰۸۶	۰/۰۲۴	۰/۱۴۴	۰/۰۲۲
تحصیلات پدر	۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۰/۰۳۴	۰/۰۲۱	۰/۰۴۹	۰/۰۱۹
تحصیلات مادر	-۰/۱۹۶	۰/۰۲۵	-۰/۱۸۶	۰/۰۲۳	-۰/۲۱۴	۰/۰۲۱
مدت زمان طلاق	-۰/۰۲۸	۰/۰۲۱	-۰/۰۴۲	۰/۰۱۹	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۸
درآمد خانواده پدری	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰
وضعیت اشتغال زن	-۰/۱۲۹	۰/۱۷۱	-۰/۱۲۶	۰/۱۵۵	-۰/۱۰۶	۰/۱۴۲
وضعیت اشتغال مادر	۰/۰۷۵	۰/۳۵۱	۰/۰۴۳	۰/۳۲۰	۰/۰۱۶	۰/۲۹۳
اعتماد اجتماعی			-۰/۰۰۳	۰/۱۲۸	۰/۰۱۸	۰/۱۱۷
پیوندهای اجتماعی			-۰/۴۰۰	۰/۱۰۱	-۰/۳۲۷	۰/۰۹۴
آسیب‌های روانی					۰/۳۶۶	۰/۰۶۷
عدد ثابت	۰/۴۸۸		۰/۵۳۴		۰/۵۸۲	
R ^۲	۰/۱۸۳		۰/۳۳۹		۰/۴۵۳	

جدول ۱۱ رگرسیون متغیرهای مستقل را بر روی امنیت اقتصادی نشان می‌دهد. در مدل اول متغیرهای تحصیلات پدر و مادر و وضعیت اشتغال مادر ضرایب معنی داری دارند و مدل اولیه ۲۰/۷ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را تبیین می‌کند. در مدل دوم، اعتماد اجتماعی نیز ضریب معنی داری دارد و درصد تبیین به ۲۳/۵ درصد افزایش یافته است. در مدل سوم، متغیرهای تحصیلات مادر، وضعیت اشتغال مادر، اعتماد اجتماعی و آسیب‌های روانی ضرایب معنی داری دارند و در مجموع ۲۹/۸ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۱- رگرسیون متغیرهای مستقل بر متغیر امنیت اقتصادی

متغیر	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳	
	ضریب	اشتباه معیار	ضریب	اشتباه معیار	ضریب	اشتباه معیار
سن	-۰/۱۵۶	۰/۰۲۰	-۰/۱۹۴	۰/۰۲۰	-۰/۱۲۸	۰/۰۲۰
سن ازدواج	-۰/۱۲۸	۰/۰۳۴	-۰/۰۶۸	۰/۰۳۵	-۰/۰۶۶	۰/۰۳۴
تحصیلات	۰/۰۱۸	۰/۰۳۷	۰/۰۰۷	۰/۰۳۷	۰/۰۵۶	۰/۰۳۶
تحصیلات پدر	-۰/۱۹۵	۰/۰۳۲	-۰/۱۷۸	۰/۰۳۲	-۰/۱۷۳	۰/۰۳۰
تحصیلات مادر	-۰/۲۲۹	۰/۰۳۴	-۰/۲۴۵	۰/۰۳۴	-۰/۲۵۹	۰/۰۳۳
مدت زمان طلاق	۰/۱۰۰	۰/۰۲۹	۰/۱۱۹	۰/۰۲۹	۰/۱۱۳	۰/۰۲۸
درآمد خانواده پدری	۰/۰۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰
وضعیت اشتغال زن	-/۰۱۰	۰/۲۴۸	۰/۰۲۰	۰/۲۴۹	۰/۰۱۳	۰/۲۴۰
وضعیت اشتغال مادر	۰/۲۳۰	۰/۴۸۰	۰/۲۴۱	۰/۴۸۰	۰/۲۱۱	۰/۴۶۴
اعتماد اجتماعی			۰/۲۰۳	۰/۲۰۲	-۰/۱۷۵	۰/۱۹۵
پیوندهای اجتماعی			۰/۰۹۰	۰/۱۶۰	۰/۱۲۶	۰/۱۵۵
آسیب‌های روانی					۰/۲۷۲	۰/۱۰۸
عدد ثابت	۰/۶۷۶			۰/۸۳۱		۰/۹۵۵
R ²	۰/۲۰۷			۰/۲۳۵		۰/۲۹۸

بحث و نتیجه‌گیری

ایران طی دهه‌های اخیر تغییرات زیادی را تجربه کرده است و شاخص‌هایی از جمله میزان شهرنشینی، تحصیلات زنان و توسعه وسایل ارتباط جمعی به شدت رشد نموده است. یکی از این دگرگونی‌ها، افزایش نرخ طلاق است که روند صعودی آن در کل کشور، نشان می‌دهد که خانواده ایرانی در حال تجربه تغییرات عمیقی است. می‌توان گفت پایان زندگی مشترک، آغاز فرایندی است که توأم با مشکلات و آسیب‌های فراوانی است. مطالعات مختلفی به پیامدهای طلاق و بررسی ویژگی‌ها و شرایط روان شناختی و اجتماعی افراد پس از تجربه طلاق، پرداخته‌اند، اما این مطالعه با هدف مطالعه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی زنان مطلقه در شهر سبزوار و بررسی ارتباط بین آنها انجام شده است. بدین منظور نمونه ۲۰۰ نفری از زنان مطلقه انتخاب شد و به کمک ابزار پرسشنامه داده‌ها جمع‌آوری شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین سن زنان مورد مطالعه ۳۲/۴۲ سال است. بیش از نیمی از زنان تا سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند و به طور متوسط پنج سال از زمان طلاق آن‌ها می‌گذرد. ۶۴ درصد از آنها شاغل و تنها ۳۶ درصد بیکار هستند. تحصیلات بیش از نیمی از زنان در سطح دیپلم و تحصیلات دانشگاهی است.

شاخص‌های مربوط به آسیب‌های روانی نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان پس از طلاق، ناسازگاری با خانواده و اطرافیان، افسردگی، وسواس، و بیماری‌های جسمی و روحی شدید را تجربه کرده‌اند. پس از خانواده بیشترین ارتباطات زنان با دوستان و در آخر با اقوام است. بیش از نیمی از زنان مورد مطالعه نسبت به مردم و اقوام خود، بی‌اعتماد هستند و یا اعتماد کمی دارند، که رقم بالایی است. این یافته مؤید نظر پاتنام در مورد اعتماد اجتماعی است. از نظر وی اعتماد اجتماعی، حاصل تجربه‌های زندگی بزرگ‌سالی است و کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی ندارند و از بی‌عدالتی، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، دارای اعتماد کمتری

هستند. به طور معمول، اعتماد عموم مردم به خانواده، دوستان و سپس اقوام و خویشان که جزء اعتماد غلیظ (اعتماد به افراد آشنا) محسوب می‌شود، بالا است و اعتماد به سایر مردم یا همان اعتماد رقیق (اعتماد به افراد ناآشنا) با فاصله زیادی در مرحله بعد است، اما یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میانگین سطوح اعتماد به اقوام و خویشان (۲/۴۳) تفاوت بسیار کمی با سطح اعتماد رقیق (۲/۴۲) دارد و بدین ترتیب می‌توان گفت حوزه اعتماد غلیظ در زنان مطلقه بسیار تنگ شده است و اقوام و خویشان را نیز به وادی ناآشنایان می‌راند. این نکته بیانگر احساس انزوای بالایی است که می‌تواند برای این قشر صدمات زیادی داشته باشد.

متغیر وابسته این مطالعه احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرانی از وضعیت اقتصادی و مالی و نگرانی از حرف مردم، به ترتیب پرتکرارترین مؤلفه مربوط به امنیت اقتصادی و اجتماعی است. همچنین احساس ناامنی اقتصادی زنان فقط اندکی بیش از ناامنی اجتماعی آنها است. این نکته بیانگر اهمیت پرداختن به حمایت اجتماعی از زنان مطلقه است که با وجود بنیادی بودن اقتصاد و تأمین معیشت، تقریباً در همان حد، نگران حرف مردم هستند که یک شاخصه فرهنگی اجتماعی در جامعه ما است.

آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد که زنان با سرمایه اجتماعی بالاتر، آسیب‌های روانی کمتر، زنانی که پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود و پدر و مادر آنها (به غیر از درآمد خانواده پدری و وضعیت اشتغال زن) بالاتر است و زنانی که در سنین بالاتر ازدواج کرده‌اند، امنیت اقتصادی بیشتری دارند. آزمون‌های همبستگی مربوط به امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بالاتر، آسیب‌های روانی کمتر، زنان با سنین بیشتر و زنانی که مدت زمان بیشتری از طلاق آنها می‌گذرد، امنیت اجتماعی بیشتری دارند. در بین مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی، تنها وضعیت اشتغال زنان، همبستگی معنی داری دارد و ناامنی اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب

می‌توان گفت در گذر زمان، احساس امنیت اجتماعی زنان به تدریج بهبود می‌یابد، اما گذشت زمان، کمکی به بهبود امنیت اقتصادی آنان نمی‌کند.

به منظور تحلیل دقیق‌تر، از مدل رگرسیونی برای پیش بینی تغییرات استفاده شد و متغیرها در سه مرحله وارد تحلیل شدند. ابتدا متغیرهای زمینه‌ای و مؤلفه‌های مربوط به پایگاه اجتماعی وارد شدند و در مجموع ۲۱ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی و ۱۸ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی را تبیین نمودند. سپس مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به کار رفتند و با ورود آنها درصد تبیین امنیت اقتصادی و اجتماعی به ترتیب به ۲۳ درصد و ۳۴ درصد رسید. در نهایت پس از ورود متغیر آسیب‌های روانی ۳۰ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی و ۴۵ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی توسط مدل تبیین می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت در تحلیل چند متغیره، متغیرهای زمینه‌ای و پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان و پدر و مادر آنها در تبیین امنیت اقتصادی نقش بیشتری دارند، در حالی که سرمایه اجتماعی و آسیب‌های روانی، درصد تبیین امنیت اجتماعی را بیش از امنیت اقتصادی افزایش می‌دهند. وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی و اقتصادی مؤید یافته‌های مطالعات ربانی و همکاران (۱۳۹۲) و صنعتخواه (۱۳۹۲) است. نکته دیگر آنکه در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی در مدل مربوط به امنیت اقتصادی و پیوند اجتماعی در مدل مربوط به امنیت اجتماعی ضریب معنی‌داری دارند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و امنیت اجتماعی در تمام موارد تأیید نشده است. در مطالعاتی که مربوط به زنان سرپرست خانوار است، جایگاه اقتصادی زنان نقش مهمی در امنیت اجتماعی دارد اما در مورد مطالعات دیگر لزوماً چنین نیست، بدین ترتیب که متغیرهای درآمد، تحصیلات، و ترکیب آنها در قالب پایگاه اجتماعی - اقتصادی هر یک در برخی مطالعات تأثیر معنی‌دار و در برخی دیگر تأثیر غیرمعنی‌داری بر احساس امنیت اجتماعی داشته‌اند. در مطالعه حاضر، احساس

امنیت اقتصادی تا حد زیادی متأثر از پایگاه اجتماعی زنان و خانواده آنها بود اما در مورد امنیت اجتماعی چنین نیست و تنها وضعیت اشتغال زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان تأثیر دارد. بدین ترتیب اگر چه خانواده می‌تواند در بهبود احساس امنیت اقتصادی زنان مؤثر باشد، اما ارتقاء احساس امنیت اجتماعی زنان پس از طلاق، از حوزه خانواده خارج است.

پیشنهاد‌های تحقیق

این پژوهش به رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان مطلقه پرداخته است. بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادهای ذیل مطرح می‌گردد:

- بر طبق یافته‌های تحقیق، افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان مطلقه، معطوف به افزایش پیوندها و شبکه‌های اجتماعی آنها است. بهبود پیوندهای اجتماعی زنان مطلقه نیازمند برنامه ریزی نهادهای حمایت اجتماعی است. یکی از وجوه این برنامه ریزی می‌تواند زمینه سازی ایجاد گروه‌ها، شبکه‌ها و سازمان‌های مردم نهاد باشد که با مشارکت زنان تأسیس می‌شود به نحوی که در اثر تعاملات، ارتباطها و پیوندهای حاصل از این مشارکت، سطح امنیت آنها ارتقا یابد. بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود سازوکارهایی برای تشکیل سمن‌های مختص زنان با تجربه طلاق و یا مکان‌هایی برای گردهم آیی و تبادل نظر و تجربه آنان با یکدیگر در نظر گرفته شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان مورد مطالعه، پس از طلاق، افسردگی، وسواس و بیماری‌های جسمی و روحی شدیدی را تجربه کرده‌اند. بر این اساس ضروری است در نهادهای مرتبط با فرایند طلاق (بهبیستی، دادگستری و ...) ساز و کاری ایجاد شود تا زنانی که در گیر طی مراحل جدایی و طلاق هستند از وجود مراکز مشاوره مطلع شده و نسبت به پیامدهای روحی و جسمی طلاق و شیوه مواجهه با این پیامدها آگاهی کافی حاصل کنند به نحوی که شاهد کمترین آسیب‌ها برای زنان مطلقه بعد از طلاق باشیم.

همچنین این یافته که اعتماد غلیظ زنان مطلقه به خویشاوندان، در سطح اعتماد به افراد غریبه است، نشانگر تجربه دردناکی است که عموماً در اثر احساس بی پناهی بعد از طلاق و عدم حمایت کافی توسط خویشان به زنان دست می‌دهد. به نظر می‌رسد در فرایند مشاوره‌های روانشناختی، درگیر کردن خانواده‌های زنان مطلقه و آگاهی بخشی به آنها در مورد نحوه برخورد وابستگان و تأثیر آن بر پیامدهای احتمالی طلاق برای زن مطلقه، می‌تواند آنها را نسبت به حمایت بیشتر از زنان مطلقه بعد از طلاق حساس کند. یکی دیگر از یافته‌های تحقیق این است که در بین مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی، تنها وضعیت اشتغال زنان رابطه کاهنده‌ای با ناامنی اجتماعی آنها دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود به هنگام طلاق، مشاوره شغلی نیز بخشی از فرایند مددکاری زنان مطلقه گردد. تا بدین طریق با کاهش ابهام و سردرگمی حاصل از دغدغه گذران معیشت، موجب افزایش احساس امنیت و خاطر آنها گردد.

منابع

- احمدی، محمد؛ کلدی، علیرضا. (۱۳۹۲)، احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ شهر سنندج. *رفاه اجتماعی*، شماره ۴۹.
- احمدی، یقوب؛ اسمعیلی، عطاء. (۱۳۸۹)، سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳۸.
- مظلوم خراسانی، محمد؛ اسمعیلی، عطاء. (۱۳۸۹)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد در سال ۸۶-۱۳۸۵ و عوامل مؤثر بر آن. *مجله علوم اجتماعی*، شماره ۱۶.
- اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۲)، پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان. شماره ۳. بنی فاطمه، حسین، علیزاده اقدم، محمد

- باقر، صبوری، رباب. (۱۳۹۵)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*. شماره ۱۲.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۵)، "جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی"، در *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. به کوشش کیان تاجبخش و ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- جهانگیری، جهانگیر؛ مساوات، ابراهیم. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان، مورد مطالعه: زنان ۴۰-۱۵ سال شهر شیراز. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال دوم، شماره ۲.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- حاتمی، علی؛ احمدی، بختیار؛ اسمعیلی، عطاء. (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان، مورد مطالعه زنان شهر کرمانشاه. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، شماره ۱۱.
- حاجی زاده میمندی، مسعود؛ ترکی، سیمین. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر یزد. *دانش انتظامی*، سال پانزدهم، شماره ۳۰.
- حفریان، لیلا و دیگران. (۱۳۸۸)، مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن)، در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی در شهر شیراز. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. سال ۱۱، شماره ۴۱.
- خواجه نوری، بیژن؛ کاوه، مهدی. (۱۳۹۲)، *مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی*. سال دوم، شماره ۲.

- ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، مولایی کرمانی، محمود؛ اسلامی، بتول؛ بناب، سیدرضا. (۱۳۹۲)، مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی زنان با کاربرد ایموس گرافیک (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*. سال دوم. شماره ۱.
- سیدمیرزایی، محمد؛ عبداللهی، زهرا؛ کمربگی، خلیل. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار. *مطالعه: زنان شهر ایلام. مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲۸.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۳.
- شایگان، فریبا؛ رستمی، فاطمه. (۱۳۹۰)، هویت اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی زنان تهران). *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۹.
- صنعت‌خواه، علیرضا. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان در شهر تهران. *زن و جامعه*، سال ششم، شماره ۴.
- غلام‌نیارمی، آتنا؛ انصاری، ابراهیم. (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر تهران). *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۲۶.
- کلاهیچیان، محمود. (۱۳۸۲)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی. *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*. معاونت اجتماعی ناجا. انتشارات گلپونه: تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). «جامعه‌شناسی»، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- موحد، مجید؛ همت، صغری. (۱۳۹۲)، مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت زنان. *زن و جامعه*، سال چهارم، شماره ۲.
- نصیری، قدیر. (۱۳۸۱)، معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. *راهبرد*، شماره ۲۶.

- یحیی‌زاده، حسین؛ خدیری، بهزاد. (۱۳۹۴)، عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهرستان مریوان. *رفاه اجتماعی*، شماره ۵۶.

- نبوی، سیدعبدالحسین؛ حسین‌زاده، علی‌حسین؛ سیده‌هاجر حسینی. (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، *دانش انتظامی، سال دهم*، شماره ۲ (پیاپی ۳۹).

- میرزایی، محمد؛ قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۰)، سطح و الگوی مرگ و میر در ایران با تأکید بر علل مرگ، ۱۳۸۷، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال ششم، شماره ۱۲.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۷)، گذار جمعیتی دوّم با نیم‌نگاهی به ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوّم، شماره ۶.

- مقدس، علی اصغر؛ قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۰)، بررسی نقادانه جامعه‌شناسی عواطف، جانانات ترنز، تئودور کمپر و ادوارد لاولر. *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره دوم.

- Coleman, J. S. (2002). "Social Capital in the Creation of Human Capital". In: Calhoun, C. and Others. *Contemporary Sociological Theory*. Oxford: Blackwell. pp. 110-125.
- Field, John. (2003). Social capital. London: Routledge.
- Clarke-Stewart, Alison and Brentano, Cornelia. (2006). *Divorce: causes and consequences*. Yale University Press: New Haven and London.
- Eeden-Moorefield, Brad Van, Pasley, Kay Dolan, Elizabeth M and Engel, Margorie. (2007). From Divorce to Remarriage: Financial Management and Security Among Remarried Women. *Journal of Divorce & Remarriage Volume 47*, pp: 21-42.

- Kemper, Theodore D. (2006). *Power and status and the power-status theory of emotions*. In: Handbooks of the Sociology of Emotions. Edited by Stets, Jan E & Jonathan H Turner. New York. Springer Science + Business Media, LLC.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Simmel, George. (2004). *The Philosophy of Money*. Translated by T. Bottomore. London: Routledge.
- Lestehaghe Ron and Van De Kaa, Drik J. (1986). *Twee Demographic Transition?* [Two demographic transitions?], In Ron. Lestehaghe and Dirk, J. Van De Kaa (eds). *Bevolking; Groei en Krimps*, Deventer: Van Loghum-Slaterus. Pp. 24-29.

